

عبدالقادر مراغی

بخش دوم از کتاب اساتید الحان

رنوف یکتا

ترجمه‌ی سیروس جمالی



مؤسسه‌ی فرهنگی - هنری ماهور

تهران ۱۳۸۹

فهرست

۷	مقدمه	محمد رضا درویشی
۱۱	اساتید الحان [تقریظ]	احمد مدحت
۱۵	افاده‌ی مخصوصه	رئوف یکتا
۱۷	خواجه عبدالقادر مراغی	نوری شیدا
۲۰	استطراد	
۲۲	جوابیه‌ی رئوف یکتا	رئوف یکتا
۲۶	جوابیه‌ی نوری شیدا	نوری شیدا
۳۲	خدمت به موسیقی	احمد مدحت
۳۴	مطالعه‌ای درباره‌ی شرح حال موسیقی دانان	نجیب عاصم
۳۷	جوابیه‌ی نوری شیدا	نوری شیدا
۴۱	نقدهای موسیقایی	رئوف یکتا
۴۸	عبدالقادر مراغی	عبدالحلیم حقّی
۴۹	خواجه عبدالقادر مراغی	رئوف یکتا
۶۳	آثار خواجه عبدالقادر	رئوف یکتا
۶۷	تصاویر نسخه‌ی اصل	



رئوف يكتا

مقدمه

کتاب حاضر دومین جزء از سری بیوگرافی‌های موسیقی‌دانان است که رئوف یکتا (۱۸۷۱-۱۹۳۵) آنها را به سال ۱۳۱۸ق تحت عنوان اساتید الحان در استانبول به چاپ رسانید. جزء اول به زکایی دده، جزء دوم به عبدالقادر مراغی و جزء سوم به دده افندی اختصاص دارد. اگرچه جزء‌های اول و سوم این کتاب نیز اهمیت دارند اما فعلاً ترجمه‌ی جزء دوم آن به چاپ می‌رسد. اصل کتاب به خط ترکی عثمانی است و برگردان آن، در سال ۲۰۰۰ میلادی، به خط ترکی استانبولی توسط دکتر مصطفی ارکان صورت گرفته و توسط انتشارات پان در استانبول منتشر شده است.^۱

جدای از اهمیت خود عبدالقادر مراغی و اینکه هر مطلبی درباره‌ی او نوشته شود به خودی خود مهم است، کتاب حاضر از چند منظر اهمیت دارد:

۱. این اثر اولین نوشته‌ی مدون و اختصاصی درباره‌ی زندگی و آثار عبدالقادر مراغی است و اینکه برخی از استادان، راویان و موسیقی‌شناسان متعلق به آخرین نسل از راویان موسیقی کهن عثمانی به‌هنگام نگارش کتاب هنوز در قید حیات بوده‌اند بر اهمیت و اعتبار آن می‌افزاید.

۲. جو حاکم بر مطبوعات، به‌ویژه پرداختن به موضوعات فرهنگی و هنری، روحیه‌ی نقادی و رعایت اخلاق مناظره و مباحثه میان روشنفکران آن دوره‌ی تاریخی،

1. Rauf Yektâ, *Esâtîz-i Elhân: Hoca Zekâi Dede Efendi, Hoca Abdülkadir-i Merâgî, Dede Efendi*, İstanbul: Pan Yayıncılık (2000).

به‌خوبی از این اثر قابل استنباط است. ادبیات متین و فاخر جاری در گفتگوها که البته برخی از آنها در ترجمه قابل انتقال نیست، حفظ ادب در عین رُک‌گویی و به‌طور کلی جدیت موضوع و ارج نهادن به دانسته‌های دیگران و در عین حال اعتراف به ندانسته‌های خود از نکات قابل توجه در این نوشته‌هاست.

۳. در جای جای اثر، افراد، منابع و کتابخانه‌هایی به خواننده معرفی می‌شوند که هرچند امروزه جز مواردی بر بسیاری پوشیده نیست، اما در زمان نگارش کتاب تازگی داشته و می‌توانسته است برای پژوهش‌های بعدی دیگران بسیار راهگشا باشد. جالب این است که اغلب این منابع به زبان فارسی است.

۴. از جالب‌ترین مباحث کتاب قسمتی است که صحبت از صحت یا سقم انتساب آثار موسیقایی به عبدالقادر مراغی به میان می‌آید. رثوف یکتا که عضو هیئت تصنیف و تثبیت رپرتوار موسیقی عثمانی بوده است خود در این زمینه صاحب‌نظر است و در فهرست خود در آخر کتاب با شک به انتساب برخی تصنیف‌ها به مراغی نگاه می‌کند و برخی از آنها را مردود می‌داند. بعدها نیز افراد دیگری آثار دیگری را به مراغی منسوب کردند یا در ردّ انتساب برخی از تصنیف‌ها به مراغی سخن گفتند.

۵. اگرچه ترجمه‌ی فارسی این کتاب در اصل در ارتباط با بازخوانی تصنیف‌های منسوب به عبدالقادر مراغی و برای استفاده در بخش مکتوب این پروژه انجام شده است، اما با مشورت با سیروس جمالی، موسیقی‌دان و مترجم این کتاب و نوازنده‌ی رباب بم در گروه عبدالقادر مراغی، و پیشنهاد چاپ آن به مؤسسه‌ی فرهنگی-هنری ماهور، این کتاب مهم به‌صورت مستقل و به موازات انتشار پروژه‌ی صوتی و نوشتاری مراغی انتشار می‌یابد.

۶. من بر این باورم که ترجمه‌ی فارسی این کتاب توسط کسی ممکن بود که می‌بایست دارای خصوصیات و توانایی‌های خاصی باشد. این توانایی‌ها در سیروس جمالی مترجم فارسی این کتاب جمع است. او خود موسیقی‌دان، نوازنده‌ی تار در موسیقی دستگاهی، آهنگساز و نوازنده‌ی رباب بم در گروه عبدالقادر مراغی است و از ابتدای پروژه‌ی بازخوانی این تصانیف در جریان جزئیات آن، هم در بخش ترجمه و تحقیق و هم در بخش اجرایی، بوده است. در حوزه‌ی زبان، به‌عنوان یک تُرک آذری، علاوه بر تسلط او به زبان فارسی به‌عنوان یک شاعر پارسی‌گوی، شناخت او از زبان ترکی عثمانی با خط قدیم و ترکی استانبولی با خط جدید باعث شده است که او فردی منحصر به فرد برای ترجمه‌ی این کتاب و آثاری دیگر از ترکی به فارسی باشد. او جزء

دوم کتاب اساتید الحان که موضوع این کتاب است را با استناد به هر دو نسخه (با خط‌های قدیم و جدید) و مقابله‌ی آنها به فارسی برگردانده است.

۷. نسخه‌ی اساتید الحانی که ما در اختیار داشتیم و متعلق به کتابخانه‌ی دانشگاه تکنیک استانبول است (کنسرواتوار دولتی موسیقی کلاسیک ترک) و آن را با کمک خانم شهوار بشیراغلو معاون کنسرواتوار و رئیس گروه اتنوموزیکولوژی به دست آوردیم و به خط ترکی عثمانی است فاقد صفحات ۷۲ و ۷۳ است. ما هرچه تلاش کردیم که نسخه‌ی کاملی در طول نزدیک به ۲ ماه به دست آوریم موفق نشدیم. اما این دو صفحه از روی برگردان کتاب توسط دکتر مصطفی ارکان به خط جدید ترجمه و لحاظ شده است.

در پایان از دوست گرامیم محمد موسوی مدیر مؤسسه‌ی فرهنگی-هنری ماهور، که با پذیرش چاپ این کتاب قدمی دیگر در شناخت موسیقی قدیم ایران برداشت، و دوست عزیزم ساسان فاطمی - موسیقی‌شناس - که با دقت و وسواس نظارت بر امور فنی و ویرایشی این کتاب را انجام داد، از طرف خود و مترجم سپاسگزارم.

محمدرضا درویشی

مرداد ۱۳۸۹